

## سیاست در احزاب آمریکا

Paul Allen Beck, *Party Politics in America*, New York: Longman Inc, 1997, 467 Pages.

احمد صادقی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل

دانشگاه شهید بهشتی

کتاب سیاست در احزاب آمریکا یکی از تازه ترین آثار است که به جنبه های گوناگون عملکرد احزاب سیاسی در آمریکا پرداخته است. نویسنده کتاب، پال آلن بک، استاد دانشگاه ایالتی اوهایو در ایالات متحده است. این کتاب در شش بخش و شانزده فصل ارائه گردیده است. در این مقال نخست به معرفی خلاصه ای از مباحث عنوان شده در فصلهای کتاب پرداخته می شود و در پایان، نقد و ارزیابی کلی آن مطرح خواهد شد.

### بخش نخست. احزاب و نظامهای حزبی

نویسنده در پیشگفتار خود این گونه به طرح موضوع می پردازد که مطالبات یک

جامعه سیاسی و پیچیدگیهای این جوامع، اجازه ساده ساختن دولتها و نظامهای حکومتی را نمی دهد. تقلا و کشمکش، بسیج امکانات و تواناییها و اعمال نفوذ از جانب گروهها- به گونه ای که تعیین کند چه کسی، چه چیزی را در چه زمانی و چگونه به دست می آورد- می باید در قالب سازماندهی نفوذ و قدرت در درون فرآیندها و نظام سیاسی صورت گیرد. این مهم در جامعه آمریکا از جانب نظام حزبی مورد توجه قرار می گیرد. در نظامهای دموکراتیک، احزاب سیاسی، مهمترین و گسترده ترین سازمانهای سیاسی را تشکیل می دهند، در کنار آنها، گروههای صنفی و بانفوذ غیر حزبی هم قرار می گیرند.

حضور احزاب و گروههای همانند با آن به چند جهت چون ایجاد ارتباط بین آحاد مردم و بخشهای تصمیم گیری، نشانه گذاری و تدوین و ساده کردن اطلاعات درباره سیاست و حکومت برای مردم، برقراری نوعی تقسیم کار غیر رسمی، تمرکز بر انتخابات همراه با رقابت و سازمان دادن به اکثریت حاکم به عنوان مرجع نفوذ و قدرت، اهمیت اساسی در نظامهای دموکراتیک دارد.

برده اند، اما یک نکته آشکار، خوشبین نبودن بنیانگذاران ایالات متحده به حزب و دسته بندیهای جناحی در آغاز پایه گذاری جمهوری آمریکا و پس از استقلال از استعمار انگلستان است. اینک و طی سالهای گذشته نیز شمار بدبینان به احزاب در آمریکا و تلقی منفی از آنان - به رقیبانی منفعت جو و نه نگاهبانان دموکراسی سیاسی - افزایش یافته است.

### فصل ۱. در جست و جوی احزاب سیاسی

در این فصل، نویسنده با توجه دادن به فروپاشی شوروی، سر بر آوردن چشمگیر دموکراسیها را - بویژه در اروپای شرقی که زمانی در کلیه کشورهای آن، تنها یک حزب کمونیست حاکمیت داشت - را عنوان کرده است. وی همچنین با طرح این پرسشها که حزب سیاسی چیست؟ چگونه می توان حزب سیاسی را از دیگر گونه های گروههای سازمان دهنده امور سیاسی متمایز کرد؟ چه نکته هایی در مفهوم حزب نهفته است؟ آیا در یک حزب، سیاستمداران و فعالانی هستند که در پی دستیابی به مقصود خاص تلاش می کنند؟ یا حزب به

همچنین در بیان تفاوت گروههای بانفوذ با احزاب، این نکته را یاد آور می شود که گروههای یاد شده بر خلاف احزاب در پی کسب مستقیم قدرت و دستیابی به تصدی در قوای قانونگذاری نبوده، بلکه در صدد تحقق بخشیدن به مطالبات خویش هستند. در عین حال در میان احزاب سیاسی دنیا، احزاب آمریکا تا حد زیادی دست اندکار فعالیتهای انتخاباتی هستند، در حالی که در اروپا احزاب، بیشتر دست اندر کار ترویج ایده ها و نظم بخشیدن به دستگاههای قانونگذاری، همراه با تلاش برای پیروزی در انتخابات هستند. در کشورهای در حال توسعه نیز نقش مهمتر احزاب در انتقال ارزش و اطلاعات سیاسی به شهروندانی است که از راههای دیگر اجتماعی شدن سیاسی و ارتباطات بی بهره هستند.

همچنین، نویسنده پیشاپیش در مورد احزاب آمریکا می گوید که: در مورد احزاب آمریکا دیدگاههای ناهمساز با یکدیگر عنوان شده که برخی آنها را تنها به عنوان ابزار راهیابی به حکومت و برخی دیگر آنان را تا سرحد معماران دموکراسی بالا

کسانی اطلاق می‌شود که دفاتر و اداره‌های مربوط به مبارزات انتخاباتی را اداره می‌کنند؟

به باور وی، این پرسشها با خود بحث بر سر تعریف از حزب سیاسی و تمایز آن با جنبشها، گروههای بانفوذ و جناحهای رقیب برای رهبری را به وجود می‌آورد. در این راه، تعاریفی چند از حزب از ایه می‌کند که در میان آنها ادموند برک (Edmund Burke, 1770) حزب را اتحادی از افراد همپیمان که در تلاش مشترک برای پیشبرد منفعت ملی بر پایه اصول مورد توافق جمع هستند، عنوان کرده است. آنتونی داونز (Anthony Downs, 1957)، حزب را ائتلافی از افراد که خواهان کنترل دستگاه حاکمه با ابزارهای قانونی هستند، می‌داند. وی. او. کی (V.O. Key, 1958)، می‌گوید: «حزب، اغلب به موجودیتی اطلاق می‌گردد که دست‌اندرکار امور حوزه انتخابیه، کارهای تخصصی سیاسی، قانونگذاری و قوه مجریه است و از این نظر می‌تواند با گروههای دیگر دست‌اندرکار امور سیاسی و حکومتی، همسانی داشته باشد.» همچنین از نظریه‌یام نیسبت چیمبرز

(William Nisbet Chambers, 1967)، حزب سیاسی در مفهوم نوین آن به یک ساختار اجتماعی نسبتاً بادوام که در طلب تصدی یا قدرت در حکومت است، اطلاق می‌گردد. از نگاه لئون اپستین (Leon Epstein, 1979)، هر گروهی که حتی از نظر سازماندهی هم نامنسجم باشد، اما با عنوان مشخصی در پی انتخاب متصدیان حکومتی باشد، حزب خواهد بود. جان اچ. الدریج (John H. Al Drich, 1995)، حزب را ائتلافی از نخبگانی می‌داند که درصدد قبضه کردن و بهره‌گیری از تصدی سیاسی هستند، در عین حال، حزب سیاسی فراتر از هدف یادشده باید نهادی دارای مقررات، موازین و رویه‌ها باشد.

پال آلن بک در کل، تعاریف از احزاب را به سه رهیافت: ایدئولوژیک، تصدی‌گر قدرت خواه و رهیافت سازمانبخش و نظم‌دهنده، تقلیل یافته می‌داند. در مورد احزاب عمده آمریکا می‌توان گفت که آنها به عنوان یک نظام سه‌وجهی تعاملی، هر سه مؤلفه را با یکدیگر دارا هستند که دربرگیرنده: رهبران و مقامات حزبی، فعالان ناشناخته علاقه‌مند به نامزدها و

اهداف حزب، مردم رأی دهنده به نامزدهای مورد نظر حزب و افرادی که زیر عنوان یک حزب برای تصدی امور در نظر گرفته می شوند، خواهند بود. این تقسیم بندی، حزب را در وضعیت سازماندهی و در تصدی حکومت و دستگاه قانونگذاری متصور می کند. در مورد احزاب آمریکا، مجموعه ای از فعالیتهای در قالب حزب به عنوان انتخاب کننده و تبلیغ کننده فرمانداران دولتی هم تعریف می شود و جنبه های غیرمستقیم فعالیتهای حزبی را - که هم در ایجاد تنشهای اجتماعی و هم هماهنگی و وفاق خود را نشان می دهند - در بر می گیرد. ویژگیهای منحصر به فرد احزاب سیاسی آمریکا، تعهد اساسی به فعالیتهای انتخاباتی، بالابردن و بسیج امکانات و شمار مشارکین سیاسی و استمرار بوده است.

## فصل ۲. نظام دوحزبی آمریکا

در این فصل به شکل گیری نظامهای حزبی آمریکا و حاکمیت نظام دوحزبی در این کشور طی ۱۶۰ سال گذشته پرداخته شده است. پایه گذاری احزاب در آمریکا در سالهای پس از استقلال

در دهه ۱۷۹۰ با عنوان فدرالیستها و جفرسونیها صورت گرفت و در سالهای دهه ۱۸۲۰، شکل گیری نظام دوحزبی دموکرات و جمهوریخواه، عملی گشت. آغاز سده بیستم، عصر زرین احزاب بود. تأثیر نظام دوحزبی بر محیط انتخاباتی و فرهنگ سیاسی و حوزه انتخابیه آمریکا در همه ابعاد دیده می شود، هرچند در برخی دوره های یک حزب بر فضای سیاسی آمریکا سیطره داشته است.

فدرالیستها در سالهای نخست استقلال، یعنی بین سالهای ۱۷۸۸ تا ۱۸۱۶، حیات و حضور موثر داشتند. جمهوریخواهان جفرسونی، بین سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۸۳۲ و حزب دموکرات از سال ۱۸۳۲ شکل گرفته و تا امروز به حیات خود ادامه داده است. حزب ویگ از سال ۱۸۳۶ تا ۱۸۵۴ و حزب جمهوریخواه از سال ۱۸۵۴ پا به عرصه نهاد که تا به امروز در برابر حزب دموکرات، نظام دوحزبی آمریکا را تشکیل می دهند. همچنین در این فصل به زمینه ها و علت های دوحزبی بودن نظام حزبی در آمریکا پرداخته شده و این نکته به عواملی چون رقابت پذیری بیشتر این نظام،

دیدگاه نهادی (ازنگاه موریس دوورژه) نظریه‌های ایجاد اجماع و اتفاق نظر اجتماعی مرتبط دانسته شده است. همچنین، پیامدهای آن در زمینه‌هایی چون تأثیر بر حزبهای سوم، ناکامی و موفقیت‌های آنان مورد توجه قرار گرفته است. موج سربرآوردن احزاب کوچک و سوم در دهه ۱۹۹۰ که تهدیدی برای نظام دوحزبی آمریکا در عصر کنونی به شمار می‌آید و همچنین موانع عمده‌ای چون تأمین هزینه مبارزه انتخاباتی که همچنان بر سر راه احزاب سوم قرار دارد، از جمله نکات مورد بررسی در این فصل است.

می‌کنند، اشاره می‌رود؛ به گونه‌ای که از نظر آنان، ماشین حزب، دسیسه چین اساسی و فسادبرانگیز شبکه‌های پنهانی سیاست تلقی می‌گردد. در ادامه چگونگی کار کمیته‌های مختلف محلی، ایالتی و ملی در جهت برنامه‌ریزی، مقررات ایالتها، بنیادها و کارکردهای مختلف آنان در ایالت‌های گوناگون تشریح می‌گردد و نکته مورد تأکید این است که جنبه‌های محلی و بومی در توانایی سازماندهی حزبی هر چه بیشتر قوت می‌گیرد.

#### فصل ۴. سازمان‌های ملی؛ حضوری نوین

##### دراوج

توضیح ساختارهای درون حزبی، شامل کمیته‌های حزبی، افسران و مجریان کمیته‌های ملی، چگونگی شکل‌گیری کنوانسیون‌های انتخاب‌کننده نامزدها در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، گروه‌های ویژه حوزه‌های انتخابیه، کمیته‌های مبارزات انتخاباتی کنگره، شیوه‌های ارایه فعالیت‌های حزبی در قالب «خدمات» و «رویه‌ها»، اصلاحات و تغییرات صورت گرفته در نظام‌های درون حزبی دو حزب دموکرات

#### بخش دوم. حزب سیاسی به عنوان سازمان دهنده

##### فصل ۳. دولت و سازمان‌های حزبی محلی

در این فصل به نگرش عامه مردم آمریکا به نقش سازمان دهنده احزاب به عنوان «ماشین‌هایی» که سرکردگان و کاپیتان‌های محلی آن با عملیات خاص خود ارتش کارکنان و سهم خواهان از حکومت را برای رأی دادن و حاکم کردن آنها راهبری

و جمهوریخواه، وجوه مربوط به اقدامهای حزبی در سطوح ملی، ایالتی و محلی، اختلاف نظرها و کشمکش میان حزبهای ملی و ایالتی، سلسله مراتب قدرت و اقتدار در حزب ملی، نقش کمیته اقدام سیاسی در حزب و محدوده‌های سازمانی حزب در شمار مطالب این فصل قرار دارد.

### فصل ۵- فعالان حزب سیاسی

نویسنده در این فصل به چگونگی کار فعالان سیاسی به عنوان وجه زنده و واقعیت‌های انسانی احزاب سیاسی در کنار ساختارهای رسمی و مقرراتی سازمان دهنده احزاب که فعالانه، داوطلبانه و علاقه مندانه، زمان و انرژی خود را صرف می‌کنند، می‌پردازد. این بخش از کار احزاب، سازوکار ایجاد اتحاد در افراد برای تعقیب اهداف آنها را امکان پذیر می‌سازد که عمده این بخش از کار، مصروف پیروزی در انتخابات می‌شود. همچنین، زمینه گسترش ایدئولوژی و باورهای خاص را به دنبال می‌آورد.

انگیزشهای منتهی به فعالیت سیاسی در حزب در برگیرنده دو گونه زیر

می‌باشد:

- اهداف مادی و دستیابی به مناصب دولتی بر پایه ای موسوم به (Spoils System) که به دو ترتیب سرپرستی و تصدی (Patronage)، یعنی منصوب شدن در سمتهای دولتی به عنوان پاداشی برای فعالیتهای حزبی و یا شیوه برخورداری از حق تقدم و امتیاز (Preferments) که امتیازدهی و شمول توجه دولت را در برمی‌گیرد. هر دو این رویه‌ها نقشهای بسیار مهمی در شکل‌گیری و دوام سازمانهای حزبی در آمریکا ایفا کرده‌اند و از آغاز پایه‌گذاری جمهوری در این کشور و بویژه پس از دهه ۱۷۹۰ تاکنون منشأ بسیاری از تحولات بوده است.

همچنین، بخشی از انگیزشها متوجه جنبه‌های معنوی و غیرمادی فعالیتها است که فرآیندهای به کارگیری هواداران و اعضای حزب، اعضای آماتور و حرفه‌ای، قدرت و انضباط در سازمان حزبی، کنترل‌های بیرونی و درونی را در بر می‌گیرد.

## بخش سوم . حزب سیاسی در حوزه انتخابیه

### فصل ۶ . حوزه‌های انتخابیه هوادار

در این فصل در پاسخ به این پرسش که چه کسی دموکرات و چه کسی جمهوریخواه است؟ به سنجش ترکیب رای دهندگان و توزیع جغرافیایی آنها پرداخته می‌شود. این جهت‌گیری، چندین بار در طول حیات سیاسی نظام حزبی در آمریکا دچار تغییر و تحول شده است. نخستین نظام حزبی بین سالهای ۱۸۰۱ تا ۱۸۲۸، دومین نظام حزبی بین سالهای ۱۸۲۹ تا ۱۸۶۰، سومین نظام حزبی بین سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۸۹۶، چهارمین نظام حزبی بین سالهای ۱۸۹۷ تا ۱۹۳۲ و پنجمین نظام حزبی از سال ۱۹۳۶ تا کنون بوده است که طی آن، چندین بار جهت‌گیریهای حزبی و منطقه‌ای تغییر کرده و نظامهای حزبی فروریخته و بازسازی شده است. در این زمینه به چگونگی گرایش به احزاب در قالبهایی چون: آموزه‌های دوره کودکی و بلوغ که پایگاه اجتماعی افراد در تعیین هویت حزبی آنها مؤثر است،

تقسیم‌بندیهای بخشی و منطقه‌ای، مذهبی، نژادی، قومی و جنسیت افراد مطرح می‌شود.

در مورد آینده نظامهای حزبی در آمریکا به رویدادهای دهه ۱۹۹۰ - با توجه به تحولات منتهی به انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۲ و کنگره در سال ۱۹۹۴ - اشاره رفته که طی آنها چشم‌اندازهای یک نظام نوین (ششمین نظام حزبی) در آمریکا که در آن حوزه انتخابیه این کشور در قالب دموکراتها، جمهوریخواهان و گروه مستقل متصور خواهد بود.

### فصل ۷ . حزب از نگاه رأی دهنده

در این فصل با اشاره به اینکه سیاست در آمریکا بسیار پر کار و فهم آن دشوار است، رقابت احزاب و نامزدهای انتخاباتی با منافع و نگرشهای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین به دو نوع نگاه کلی: ۱. حزب در جهان واقعی در قالب کنوانسیونهای حزبی، نامزدها، مبارزات انتخاباتی و سازمانها ۲. حزب به عنوان عامل شناخت و معرفت در قالب ایجاد طرز

تلقیه‌ها، برداشتها، وفاداریها، تلقی رای دهنده‌ها نسبت به حزب، اشاره رفته است که عوامل یاد شده، اساس انتخاب افراد قرار می‌گیرد. چگونگی و ویژگیهای حفظ هویت‌های حزبی افراد، تأثیر گذاری معرفتی حزب بر فرد در قالب هویت حزبی و رأی دادن افراد، گرایش‌های حزبی، نامزدهای حزب سوم، اسطوره استقلال و استقلال رفتاری، حوزه‌های انتخابیه وفادار و تغییر در سیاست‌های حزبی، تفاوت در حزب محور بودن و فرد محور بودن سیاست‌های حزبی، چگونگی تعیین استراتژی‌های حزبی و استمرار اهمیت حزب در آمریکا در شمار مطالب پرداخته شده در این فصل است.

و چگونگی گرایش اعضای حوزه انتخابیه را مشخص می‌سازد. در نظام آمریکا بین حوزه انتخابیه بالقوه و حوزه انتخابیه فعال، همواره شکاف اساسی وجود داشته است. در انتخابات کنگره در سال ۱۹۹۲، ۵۶٫۹ درصد و در سال ۱۹۹۴، ۴۰ درصد از واجدین شرایط شرکت کردند. حمایت از حق رای برای عموم شهروندان، موانع بر سر راه رای دادن، چون وضعیت شهروندی، تابعیت، اقامت و فقدان صلاحیت رأی دادن برای برخی، ثبت نام برای رأی دادن، موانع نژادی و رنگین پوست بودن از جمله عوامل موثر در این زمینه بوده است.

## بخش چهارم. احزاب سیاسی در فرآیند انتخاباتی

### فصل ۸. حوزه انتخابیه فعال

در این فصل، جایگاه احزاب در حوزه انتخابیه بر پایه میزان همراهی افراد با آنها ارزیابی می‌شود. در همین ارتباط، حوزه انتخابیه، تعیین کننده چگونگی برجستگی حزب در نظام حزبی است و اینکه کدام حزب در نظام دو حزبی سیطره خواهد داشت. این نکته، فعال بودن حوزه انتخابیه

### فصل ۹- معرفی نامزدهای حزبی

منحصر به فرد بودن احزاب آمریکا در چگونگی تعیین و معرفی نامزدهای انتخاباتی جهت تصدی در نظام سیاسی و حزبی آمریکا نسبت به احزاب دیگر کشورها، چگونگی مراحل انجام این کار و آغاز آن از انجمن‌های حزبی، کنوانسیون حزب،



انتخابات مقدماتی و تنوع آنها در قالب انتخابات مقدماتی بسته، باز و جامع (Blanket Primary) که در ایالت‌های آلاسکا، لوئیزیانا و واشنگتن جریان دارد، و در آن، رأی دهندگان می‌توانند به نامزدهایی از هر دو حزب رأی دهند، نقش احزاب در مراحل گفته شده، قواعد بازی در آنها و مشکلات ناشی از آنها در یافتن نامزدهای حزبی، تأثیر این شیوه‌ها بر دموکراسی سازی و بر خود احزاب در شمار موضوعهای مورد بحث در این فصل است.

در نهایت، شیوه تعیین نامزدها و اینکه نقش احزاب در این مورد چگونه خواهد بود، از دیر باز و از دهه ۱۸۰۰ که احزاب سیاسی آغاز به کار کردند، بحث جنجالی و مورد توجهی بوده است.

## فصل ۱۰. برگزیدن نامزدهای ریاست جمهوری

شیوه تعیین نامزدهای ریاست جمهوری توسط احزاب آمریکا، آمیزه‌ای از روشهای کهن و نوین است. این انتخابات، بدون شباهت با دیگر سمتهای انتخاباتی که با انتخابات مستقیم انجام می‌شود-

توسط کنوانسیونهای حزبی صورت می‌گیرد. در راه پایه‌گذاری این شیوه سنتی، گامهای نخست در اصلاح سیستم انتخاباتی پس از سال ۱۹۶۸ برداشته شد. در این خصوص، نویسنده به تشریح مراحل تعیین نامزدها در قالب انتخابات مقدماتی، شورای حزبی، انتخابات حزب، کنوانسیون حزبی که در آن اساسنامه، تعیین نامزدهای نهایی ریاست جمهوری، تعیین نامزد برای سمت معاون رییس جمهور، آغاز مبارزه انتخاباتی، شیوه‌های تعیین استراتژیهای نامزدها، منافع احزاب، تعیین نماینده‌های حزب، تحولات اخیر و نوین در روبه‌های انتخاباتی پیش از کنوانسیون، مراکز تازه قدرت، پوشش رسانه‌ای متغیر، هواداری و مخالفتها با نظام انتخاباتی جاری و اصلاحات احتمالی در آن پرداخته است.

## فصل ۱۱. احزاب و مبارزه انتخاباتی

نهادهای انتخاباتی، برگه‌های رأی مخفی، ساختار و قواعد برگزیدن، تقویم انتخابات، تقسیم بندی بخشها و مناطق انتخاباتی، استراتژی مبارزه انتخاباتی و متخصصان تازه کار آشنا به مبارزات

انتخاباتی با بهره‌گیری از منابع نوین اطلاعات، به کارگیری شیوه نوین تشویق و مبارزه انتخاباتی برای ریاست جمهوری تأثیر تلویزیون، نقش سازماندهی حزب در مبارزات انتخاباتی نوین در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

## فصل ۱۲. تأمین هزینه‌های مالی و مبارزات انتخاباتی

در این فصل، نویسنده به عامل پول به عنوان مؤلفه‌ای مهم در موفقیت مبارزات انتخاباتی و اینکه از آغاز نظام سیاسی در آمریکا مطرح بوده است و امروزه نقش آن، افزایش چشمگیری داشته است، پرداخته است. تأمین منابع لازم، به کارگیری افراد فعال، چگونگی تأمین هزینه‌ها در مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری و کنگره، چگونگی هزینه کردن منابع مالی، مبارزات انتخاباتی ایالتی و محلی، تأمین شخصی هزینه‌ها از سوی برخی نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری، منابع مالی در مبارزات انتخاباتی فدرال، کمک کنندگان فردی، رقم‌های هزینه شده در انتخابات دهه ۱۹۹۰، نقش اساسی کمیته‌های اقدام

سیاسی در احزاب که کار تأمین و هزینه منابع مالی را بر عهده دارند و مستقل از خود حزب عمل می‌کنند، نقش خود نامزدها، تأمین هزینه‌ها به صورت عمومی، منابع مالی در سطح ایالتی و بومی، اصلاح مقررات، محدودیتها بر سر راه کمکهای سیاسی، محدودیت در هزینه کردن منابع مالی، ضرورت‌های حسابرسی و گزارش دهی در شمار دیگر موضوعات عنوان شده در این فصل است.

## بخش پنجم. جایگاه حزب در حکومت

### فصل ۱۳. حزب و هواداران حزبی در مجلس قانونگذاری

در این فصل، تأکید می‌شود که یکی از نمودهای بسیار روشن عملکرد احزاب در جامعه در نهاد قانونگذاری آمریکا است که اساساً در جهت سازمان دادن به قدرت اکثریت و اقلیت در کنگره فعالیت می‌کند. دیگر مواردی که به آنها پرداخته می‌شود به این ترتیب است: نقش احزاب و رهبران حزبی در رهبری و ریاست کمیته‌های

کنگره، همچنین بررسی شیوه رأی دادن نمایندگان در درون کنگره که می‌تواند مستقل از حزب صورت گیرد و ارتباط آن با ویژگی و سرشت احزاب سیاسی آمریکا در نهاد قانونگذاری است که عمیقاً متأثر از نظام تفکیک قوای آمریکا است اموری چون: سازماندهی کنگره، رهبری و هماهنگی حزبی، نقش احزاب در مجالس قانونگذاری که حزب در کنگره انجام می‌دهد و شرایط قدرت حزب در دستگاه قانونگذاری که به عواملی چون نبود مراکز قدرت رقیب، در دسترس بودن نظام سرپرستی و امتیاز تأثیرات قوی سازماندهی حزب، وجود هماهنگی و یکنواختی درون حزبی بستگی می‌یابد.

#### فصل ۱۴. حزب در قوه‌های مجریه و قضاییه

نقش احزاب در قوه‌های اجرایی و قضایی از دیر باز و از زمان شکل‌گیری جمهوری در این کشور پس از استقلال مطرح بوده و این نکته بویژه در گذر از سالهای سده نوزدهم و سنتهای دموکراسی و مردمی این دوره مورد توجه قرار داشته

است. قوه مجریه به عنوان رهبر حزب، رهبر حزب به عنوان نماینده تمام حوزه‌های انتخابیه و به عنوان رهبر سازمانی حزب، و نیز به عنوان رهبر انتخاباتی، ابزارهای نفوذ اجرایی، جلب حمایت قانونگذاری از قوه مجریه، محدوده‌های موجود در رهبری قوه مجریه، ملاحظات حزبی در انتخاب قضات، چگونگی انتخاب قضات دادگاههای ایالتی، نفوذ احزاب بر قضات، در عین حال، چگونگی حفظ استقلال قضایی، موازین موجود و ناقضان آن به طور غیر مستقیم در شمار دیگر... بحث این فصل قرار دارد.

#### فصل ۱۵. بررسی حکومت حزبی

به نظر نویسنده، احزاب سیاسی در همه قوای سه‌گانه قانونگذاری، اجرایی و حتی قضایی آمریکا حضور دارند. انتخاب مجریان و اقدام کنندگان در این قوا به گونه‌ای وابسته به گرایش حزبی است و احزاب در آمریکا در جهت اهداف نظام سیاسی آمریکا برای تمرکز زدایی از قدرت، موجب هماهنگی می‌شوند. به باور وی، نارضایتی از احزاب آمریکا به دلیل ناتوانی آنها در حکومت، منشا نارضایتی از جانب

اندیشمندان سیاسی بوده است. این نارضایتی در اساس، ملهم از نظام حزبی پارلمانی انگلستان و فراتر از احزاب آمریکا است؛ به گونه ای که نظام سیاسی آمریکا و مراکز متفرق اقتدار آن، تمایل آن به جایگزینها و تفاوتهای سیاسی، موانع در نظر گرفته شده در برابر ابتکارهای حکومتی قدرتمند و مستحکم ناشی از اصول تفکیک قوا و فدرالیسم را در بر می گیرد. بررسی چگونگی عملکرد احزاب سیاسی آمریکا در نظام حکومتی این کشور، سرشت تفاوتهای حزبی در نظامهای سیاسی غیر ایدئولوژیک، زمینه ساز فقدان بروز چنین گرایشهای ایدئولوژیک بوده است.

### بخش ششم. احزاب سیاسی در محیط و زمینه آمریکا

#### فصل ۱۶. بررسی حکومت حزبی

در این فصل به تغییرات چشمگیر در احزاب آمریکا طی دهه های گذشته، تعامل میان احزاب و محیط آنها (که به عنوان اساس کار در این کتاب عنوان شده است)، هماهنگ شدن احزاب با نیروهای متغیر

بیرونی، آغاز دوره ای از زوال نظام حزبی آمریکا در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که طی آن عملکرد نظام سیاسی بیرون از جهت گیریها و چارچوب بندیهای حزبی صورت می گرفت، تغییر جهت گیری و ترتیب کار احزاب به شیوه نوین در قالب نوعی رنسانس و افزایش انسجام و شکل گیری احزاب نوین خدماتی (کارآمد از نظر مالی، کارکنان ورزیده و کار آشنا به فن آوریهای انتخاباتی، نظام توزیعی مرتب)، اشاره می شود.

امروزه ضرورت جهت گیریهای نوین احزاب در آمریکا - فراتر از خطوط تعیین کننده کنونی برای حیات در آینده و ضرورت در نظر گرفتن گروههای غیر حزبی - احساس می شود. در این خصوص، نویسنده تأکید می کند که راه پیش روی احزاب آمریکا، معماگونه و سردرگم است. آنها نمی توانند در عین حفظ کردن ایده ها و آرمانهای خود، راه مصالحه و ائتلاف را در پیش گیرند و ناچارند در کشمکشهای بین حزبی که موجب گریز رأی دهندگان می شود، درگیر شوند. بخش دیگری از این معضل، دادن استقلال عمل و آزادی به

نمایندگان آنها و در عین حال، حفظ هدف یکسان برای آنها بوده است.

به باور نویسنده، احزاب آمریکا، ناگزیر به ادامه راه ناهمساز موجود هستند. چالش اساسی پیش روی آنها، چگونگی انطباق خود با واقعیتها، بدون از دست دادن ویژگیهای متمایزکننده آن (که طی دوره های طولانی آن را در جریان سیاست دموکراتیک در آمریکا حفظ کرده اند) می باشد؛ این چالش که نظام دموکراتیک آمریکا چگونه حزب رابه عنوان همپیمان دیرین در کنار خویش حفظ کند و حزب نیز چگونه کار ویژه خود را استمرار بخشد.

### نقد و نظر

احزاب، اجزای منحوس، اما لاینفک نظام دموکراسی هستند.، الکسی دو توکوویل به باور پال آلن بک، سیاستهای حزبی در آمریکا - بویژه در دهه ۱۹۹۰ - فصل نوینی در نظام دویست ساله احزاب سیاسی آمریکا گشوده است و احزاب به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند سیاسی مطرح هستند. آنچه به عنوان شاهد مدعا بر نقش کانونی احزاب در فرآیندهای سیاسی

در آمریکا در دوره معاصر عنوان می شود، حزب گراتر شدن احزاب کنگره و فعالتر شدن سازمانهای حزبی ملی و برخوردارهای بین دو حزب عمده آمریکا (حزب دموکرات و جمهوریخواه در کنگره این کشور) بر سر تعیین بودجه کشور در سال مالی ۱۹۹۶ و چگونگی کاستن از کسر بودجه فدرال و بن بست حاصل از این جدال است. در عین حال، انتخاب رییس جمهور دموکرات در سال ۱۹۹۲ و رأی مردم به کنگره جمهوریخواه در سال ۱۹۹۴ به عنوان رخدادی نادر طی چهار دهه گذشته نیز به همین منوال نتیجه گیری شده است.

واگرایی مردم نسبت به احزاب، کاهش شمار کلی رأی دهندگان آمریکایی، روی آوری به نامزدهای حزب سوم (به عنوان نمونه شمار نسبتاً خوب آرای کسب شده راس پرواز حزب اصلاح در سال ۱۹۹۲) و کاهش شمار کلی رأی دهندگان نیز به عنوان نشانه هایی از کاهش و افول نفوذ احزاب سیاسی در حوزه های انتخابیه آمریکا آورده شده است. در حالی که با وجود شرکت نامزدها به صورت فردی و برتری این امر بر جهت گیریهای حزبی، پایان استمرار

نظام دو حزبی و دو جریان کلی دموکراتها و جمهوریخواهان در این نظام، نتیجه گیری شده است.

از نقطه نظر تحلیلی چند نکته را می توان بر دانسته های موجود به شرح زیر افزود:

۱. آنچه در بررسی احزاب آمریکا اهمیت بیشتری می یابد، تعیین دقیق کار ویژه این احزاب و عوامل تمایز آنها از همتایان شان در دیگر نظامهای دموکراتیک است. احزاب آمریکا بیش از آنکه سازنده محیط و بسترهای اصلی سیاست در آمریکا باشند، ساخته و پرداخته محیط اجتماعی و فرهنگی این منطقه هستند. این امر، پایه ای برای ویژگیهای منحصر به فردی است که آنها را از همتایان شان در دیگر کشورهای دموکراتیک - بویژه در اروپا - متمایز می سازد.

۲. آنچه می توان افزود این است که احزاب سیاسی در آمریکا، اصول گرا، رادیکال و ایدئولوژیک نیستند، بلکه در قالب فرآیندهای شکلی و به صورت ساز و کارهایی در خدمت انتخابات و تصدی امور حکومتی، تجلی می کند. دو وظیفه

مهم آنها در این زمینه، نهادینه ساختن غلبه و حاکمیت سرمایه داری بر جوهره دموکراسی و کسب مشروعیت و مقبولیت مردم برای حکومت است که عملاً از احزاب سیاسی، ابزاری برای تحقق حاکمیت سرمایه داری ساخته است. جان. جی از سران فدرالیستها گفته بود: «حکومت باید در دست کسانی باشد که سرمایه های کشور در دست آنها است، و لیندون جانسون در سخنرانی خود در ۱۲ آگوست ۱۹۶۳ در برابر نمایندگان اتاق بازرگانی هیوستن عنوان کرد که: «... هیچ حزب سیاسی نمی تواند خودش را دوست ملت بداند، اگر دوست محافل مالی و سرمایه داری نباشد...»<sup>۱</sup>

در خصوص مؤلفه دوم عملکرد احزاب نیز می توان به خدمت آنها در جدا ساختن افراد از حکومت و در عین حال، کسب مشروعیت برای نظام حاکم در آمریکا در قالب نخبگان اشاره کرد که «حزب - خواه شکل گرفته از گروه و دسته هایی در درون کنگره و خواه ایجاد شده به طور مستقل و در بیرون از آن - همواره نهادی بوده است که حکومت را از پشتیبانی

و مطالعه کتاب آن را به همه علاقه مندان رشته های علوم سیاسی توصیه می کند.

مردمی برخوردار می ساخته و همیشه فرض بر این بوده است که مردم فقط باید رأی بدهند و از حکومت پشتیبانی کنند. پیشنهاد این اصل که «گر چه قدرت، تماماً منبعث از مردم است، اما تنها در روزهای انتخابات، متعلق به آنها است و بعد از آن به حکمرانان تعلق می گیرد»<sup>۲</sup> روشنگر نقش نظام حزبی در آمریکا است.

۳. هر چند پال آلن بک، داشتن نگرش منفی و تلقی از احزاب آمریکا به عنوان ماشین تبلیغات را به عامه مردم آمریکا و دید دسیسه انگارانه آنها نسبت می دهد، اما چه بسا که این گفته، درست است و احزاب سیاسی در آمریکا به عنوان ماشینهای انتخابات هستند که در دوران انتخابات حیات یافته و در پایان، عملاً زندگی آنان نیز به سر می رسد تا دوباره در انتخاباتی دیگر، حیات موقت یابند. جامعیت کتاب مورد بررسی به دلیل

#### یادداشتها:

۱. کلود ژولین، روایا و تاریخ، ترجمه: مرتضی کلانتریان، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۷، ص ۴۵، و ص ۶۲-۶۱.
۲. هانا آرنست، انقلاب، ترجمه: عزت اله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۳۳۹، ۳۴۵ و ۳۸۲.

ارایه اطلاعات آماری سودمند، تنوع موضوعات و سرفصلهای در نظر گرفته شده در مطالعه احزاب آمریکا، تلفیق دیدگاههای تحلیلی و چارچوبهای مفهومی با داده های آماری، مورد تأکید نگارنده این بررسی است